# جاویدان باد

## خاطره رفیق کارگر حسن نوروزی

در تاریخ ۱۹ دیماه ۵۲ یکی دیگر از رزمندگان دلیر و راستین خلق ، رفیق کارگر حسن نوروزی در یک درگیری در منطقه لرستان بدست مزدوران رژیم سرسپرده غارتگران امریکائی وانگلیسی ، بشهادت رسید . دشمن که حتی از انتشار خبر درگیری‌های مسلحانه مبارزین وشهادت آنان نیز وحشت دارد ، خبر این درگیری را ۱۳ روز بعد یعنی روز دوم بهمن آنهم بصورت گنگ ومختصر و حسابشده اعلام نمود. دشمن ازانتشارخبراین درگیریها وحشت دارد چراکه بوسایل گوناگون همه تلاش خود را بکار میبرد تا به جهانیان وانمود سازد که هیچ جنبش و مبارزه‌ای در ایران وجود ندارد و « افسانه ایران جزیره ثبات وآرامش همچنان پا برجاست » ! ولی این درگیریها ونیزسایر عملیات مسلحانه چریکهای انقلابی کمابیش عده‌ای از مزدوران دشمن را از پای درمیآورد ، همه تلاشهای تبلیغاتی رژیم ضد خلقی شاه را در این زمینه نقش برآب ساخته و بیانگر این حقیقت است که جنبش مسلحانه آزادیبخش خلق ایران خاموش شدنی نیست و همچنان ادامه دارد و گسترش مییابد . نمیتواند هم جز این باشد تا وقتی که بهره‌کشی انسان از انسان

وجود دارد ، مبارزه آزادیبخش خلقها برای در هم کوبیدن بهره کشان وجود خواهد داشت و تا نابودی نهائی آنان ادامه خواهد یافت . این حقیقتی تاریخی است . اگر دشمنان خلق نمی‌خواهند آنرا بپذیرند ، تاریخ بآنها نشان خواهد داد .

رفیق حسن‌نوروزی یکی از بهترین فرزندان خلق ما و یکی از مبارزین اصیل کارگری ایران بود . او در سال ۱۳۲۵ در یك خانواده کارگری در شهر تهران تولد یافت . پدرش از کارکنان راه آهن دولتی و یکی از فعالین حزب توده بود که در اوایل سالهای ۳۰ ، بعلت درك فرصت طلبی و بی لیاقتی رهبران حزب توده از آن کناره‌گیری کرده بود . بدین ترتیب رفیق نوروزی در یك خانواده سیاسی و آگاه رشد یافت . پدرش در سال ۱۳۳۴ ، پس از شکست مفتضحانه حزب توده و براه افتادن‌دستگاه آدمکشی شاه‌خائن،در جریان‌یك‌عمل‌فدائی با همکاری سایر رفقایش یك قطار بزرگ باری را که حامل سوخت و تجهیزات نظامی برای ارتش بود نزدیکیهای ایستگاه پرندك از خط خارج کرده و نابود کرد . هدف از اجرای این عمل آن بود که سوخت و مهمات کمتری بدست رژیم شاه خائن برسد . رژیمی که با دریافت اسلحه از بیگانه خون خلق ایران را می‌ریخت و میکوشید تفت ملی شده را دوباره به خارجیان بدهد .

شهادت پدر در رفیق نوروزی تاثیر بسیاری بخشید ولی او بعلت کمبود سن هنوز قادر نبود مسائل سیاسی و مبارزاتی آن دوران را تجزیه و تحلیل نماید . با اینهمه او بخاطر شرایط زندگیش با دردها و رنجهای کارگران بخوبی آشنا بود و از اختلافات طبقاتی شدیدا رنج میبرد ا وبارها و بارها از خود میپرسید «چرا کارگران که در بدترین شرایط در سرما و گرمای طاقت فرسا زحمت می‌کشند و شیره جانشان کشیده میشود و نعمتهای مادی را بوجود میآورند ، خود از این نعمات بهره ناچیزی میبرند و میبایست همیشه در فقر و تیره‌روزی زندگی کنند . در حالیکه سرمایه داران بدون اینکه خود کار کنند و زحمت بکشند ، با بهره‌کشی از کارگران و استفاده از حاصل دسترنج آنان ، در بهترین شرایط زندگی کنند و یا درآمدی صدها برابر بیشتر از در آمد زحمتکشان از نعمتهائی که با کار و زحمت کارگران ساخته میشود بهره ببرند ؟ »

پرخی در مقابل این سوالات جواب میدادند که « قسمت و قضا و قدر علت اصلی فقر و تیره روزی کارگران است و همین موضوع سرمایه‌داران را باوج ثروت و رفاه رسانیده است . » ! یا اینکه « سرمایه‌داران بخاطر عرضه و لیاقت بیشتر موفق شده‌اند به نعمتهای زندگی دست یابند و هر کسی که لیاقت داشته باشد میتواند مانند سرمایه‌داران زندگی کند . » !

ولی این گفته‌ها و نظایر آن که ازروی نا آگاهی و تحت تاثیر تبلیغات دولت ضد خلقی بیان می شدند نمیتوانستند رفیق نوروزی این کارگر دقیق و هوشیار را قانع کنند او بعدها که بزرگترشد دریافت که این گفته‌ها دروغهای بزرگی هستند که دولت سرمایه‌داران با تمام وسایل از قبیل رادیو ، تلویزیون و روزنامه‌های مختلف جیره‌خوار میکوشند بکارگران تحمیل کند و بزندگی پرازرنج و عذاب قانعشان سازد تا راحت‌تر شیره جان آنان را بمکد و او همچنین فهمید که پاسخ درست پرسشهای خود را در کتابهائی میتواند پیدا کند که از طرف رژیم ضد خلقی شاه ممنوع شده تا کارگران و زحمتکشان نتوانند به علل فقر و تیره روزی خود پی ببرند و آنگاه بر علیه دشمنان طبقاتی خویش بمبارزه برخیزند . ولی رفیق علیرغم مشکلاتی که در این راه وجود داشت از هر فرصت و امکانی برای مطالعه کتابهائی که علل رنجها و مصائب کارگران و راه رهائی آنان را تشریح میکرد ، استفاده مینمود . زندگی رفیق نوروزی از همان دوران نو جوانی با کارگری و سرگردانی سپری شد . او که بهیچوجه نمیتوانست‌با‌بیعدالتی‌ها و زور گوئیهائی که‌در کارخانه‌ها بر کارگران اعمال میشود ، سازش کند هر چند گاه از کارخانه‌ای‌بکارخانه‌دیگر میرفت . او پس از چند سال‌کار در شهرهای جنوب مانند بوشهر ، کرمان و شیراز،بتهران آمد و در کارخانجات شاه پسند مشغول کار شد و کار در کارخانجات بزرگ را نیز تجربه کرد . او یکسال تمام بعنوان کارگر شب کار از نیمه شب تا صبح در این کارخانجات کار کرد . ثمره کار و زحمتش را کارخانه داران بالا می کشیدند و حقوق ناچیزی باو میدادند که بزحمت تکافوی مخارجش را میکرد . پس از مدتی کار طاقت فرسا در کارخانجات شاه‌پسند رفیق نوروزی در کارخانجات راه‌آهن دولتی استخدام شد . همانجائی که پدرش کار و مبارزه کرده و شهید شده بود . در کارخانجات راه آهن او فرصت بیشتری برای مطالعه پیدا کرد . بعد از ظهرها پس از خاتمه کار،او بهمراه چندتن از عناصر روشنفکر و کارگر که در محله مختاری تهران با هم زندگی میکردند جلسات مخفی تشکیل داده و کتابهائی که با زحمت زیاد بدست میآوردند مطالعه میکردند و بدین ترتیب در جریان تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان سایر کشورها قرار میگرفتند . رفیق نوروزی در این دوران متوجه شد که کارگران سایر

www.iran-archive.com

کشورها برای رهائی خویش چه مبارزات طولانی و دشواری داشته‌اند وچگونه در بعضی از کشورها کارگران با مبارزات شجاعانه و طولانی خود توانسته‌اند حکومت‌را از دست‌دولت‌سرمایه‌داران خارج کنند و خود با تشکیل دادن حزب طبقه کارگر و متحد کردن تمام زحمتکشان حکومت را بدست گیرند و عدالت و مساوات واقعی را که فقط حکومت کارگران میتواند برقرار کنند در کشور خود بوجود بیاورند . رفیق نوروزی که با مطالعه کتابهای ممنوع شده از طرف دولت بعلل فقر و درماندگی طبقه کارگر پی‌برده بود سعی میکرد این‌کتابها را در اختیار سایر کارگران قرار دهد و آگاهی آنانرا بالا ببرد . ولی اگر چه او میکوشید با رعایت احتیاط کامل که لازمه کار در آن شرایط است ، آگاهی سیاسی کارگران را افزایش دهد ولی متاسفانه در این کار پیشرفت چندانی نداشت . زیرا از طرفی او مشاهده میکرد که وجود شعبه‌ای از سازمان امنیت در کارخانجات راه آهن بنام اداره حفاظت‌که‌هرگونه ابرازمخالفتی را با تهدید ، دستگیری و زندان پاسخ میدهد ، همچنین سرکوبی‌های وحشیانه مبارزات خلق در گذشته ، باعث شده است که آنان در مقابله با قدرت رژیم حاکم خود را ضعیف و ناتوان تصور نموده و از اینرو تمایل بکار سیاسی نشان ندهند . از طرف دیگر او با بی‌اعتمادی کارگران بخصوص کارگران با تجربه و قدیمی نسبت بمبارزین سیاسی مواجه بود . این کارگران بخاطر تجارب دردناک از خیانت رهبران حزب توده شدیدا از مبارزه سیاسی رمیده و ناامید شده و به هر نوع حرکت و جنبشی بر ضد رژیم بچشم بی‌اعتمادی نگاه میکردند و حتی بارها برفیق نوروزی میگفتند که « تو هم مانند آنها هدفی جز منافع شخصی و خصوصی خودت‌نداری» البته رفیق نوروزی باین کارگران حق میداد زیرا در شرایطی که آنان آماده هر نوع فداکاری و جانبازی بودند رهبران فاسد آنها را ترک کرده و گریخته بودند .

در این زمان بود که رفیق نوروزی با گروه سیاسی رفیق احمدزاده ارتباط برقرار کرد و بعضویت این گروه در آمد . گروه مزبور که بنیان مارکسیستی داشت در آن موقع کارش مطالعه و تحقیق در کارخانجات و روستاهای ایران و کشف زمینه‌های مبارزه انقلابی بود گروه در آزمان بکار سیاسی صرف در میان کارگران و دهقانان اعتقاد داشت و از اینروی برفیق نوروزی پیشنهاد کرد که در کارخانجات راه‌آهن همچنان به آگاه کردن کارگران ادامه دهد . ولی رفیق نوروزی بنا بر تجارب عملی خویش صریحا اعلام کرد که« کار سیاسی بدون یك پشتوانه قدرت و بدون جلب اعتماد عمل کارگران امری بیحاصل است . باید تصور شکست ناپذیری قدرت رژیم و ناتوانی و ناامیدی در مقابله با این قدرت را در ذهن کارگران ، از بین برد تا بتوان آنانرا بمبارزه سیاسی جلب نمود . و این امر جز با مبارزه مسلحانه علیه رژیم و نشان دادن ضربه پذیری دشمن در عمل ، ممکن نیست . از این طریق است که ایجاد رابطه با کارگران امکان پذیر میگردد ، زیرا کارگران فقط با مشاهده عمل انقلابی ، فداکاری و جانبازی پیشگامان است‌که باآنان‌اطمینان خود را باز می‌یابند والا حرف زدن و عمل نکردن کاریست که توده‌ها از آن گریزانند. توده‌های کارگری از پیشاهنگان خود انتظار رهبری تنها را ندارند بلکه می‌خواهند که مبارزین ابتدا خود بآنچه که میگویند عمل کنند تا به گفته هایشان اعتماد نمایند . » اینها تجربیات ملموس و زنده رفیق نوروزی این کارگر آگاه و انقلابی بود که پس از سالها کار در کارخانجات گوناگون بآنها دست یافته بود . در همان ایام رفیق‌نوروزی در یك مقاله تحقیقی و مستدل مسائل مربوط بمبارزات کارگری در ایران را مورد بررسی قرار داد و آنرا در اختیار سایر افراد گروه گذاشت . تجارب و نظریات رفیق نوروزی در ارتباط با تجارب سایر رفقای کارگر گروه سیاسی رفیق احمد زاده ، دلائل مطمئنی برای تغییر خط مشی گروه و روی آوردن آن بمبارزه مسلحانه بدند . بالاخره سال ۴۹ اصل اساسی مبارزه مسلحانه و هدفهای سیاسی آن شکل گرفت. و گروههای مسلم که هدفشان مبارزه قاطع با رژیم و باز گردانندن اعتماد سیاسی بتوده‌ها پس از سالها سکوت وخفقان بود دست بکار شدند .

رفیق نوروزی از اولین کسانی بود که در صف انقلابیون حرفه‌ای و مسلح وارد شد . او از بهمن سال ۴۹ ، مدت سه سال همچون شیر بر علیه دستگاه ظلم و ستم جنگید . در آغاز کار چریکی رفیق نوروزی در تیم چریکی برهبری رفیق شهید مسعود احمد زاده شرکت کرد و در عملیات تصاحب مسلسل کلانتری قلهك ، حمله ببانك آیزنهاور بمنظور تامین نیازهای مالی مبارزه و بعدها نیز در عملیات انفجار سفارت امریکا و مصادره ماشین حامل پول بانك بازرگانی فعالانه شرکت جست قاطعیت و شهامت انقلابی رفیق نوروزی در عملیات و بر خورد فعالش با قضایا و مشکلات آن همواره الهام بخش رفقایش بود . دشمن از همان آغاز مخفی شدن رفیق ، بخاطر ترس و وحشتی که از مبارزین کارگری دارد نیروهای زیادی را برای دستگیری وی‌بسیج کرده بود . چندین عنصر نا آگاه و ضعیف النفس نیز بمنظور شناسائی وی از طرف سازمان امنیت استخدام شده بودند تا هر کجا او را دیدند معرفی نمایند . ولی در عمل این افراد هر کجا با رفیق نوروزی مواجه می شدند

www.iran-archive.com

قرار اختیار کرده و قادر بانجام اقدامی نبودند . چند بار هم دشمن با نیروی بسیار زیاد رفیق نوروزی را محاصره کرد تا بتواند او را از پای در آورد ولی هر بار او با اتکاء به شهامت انقلابی از محاصره خارج میشد و بمبارزات خود ادامه میداد . رفیق نوروزی در شرایطی که دشمن با سلاح‌های امریکائی در کشور حکومت‌نظامی پنهان بر قرار کرده است ، مدت سه سال شجاعانه مبارزه کرد و همیشه موضعی فعال و متحرک داشت و داوطلب انجام خطرناکترین ماموریتها بود . رفقائی که با او کار میکردند بخوبی بیاد میآورند که او همواره این گفته رفیق استالین را بیان میکرد که «هرگاه هر قدمی که برمیدارم جز در راه اعتلای طبقه کارگر و تحکیم دولت سوسیالیستی این طبقه باشد ، زندگی‌خود را بیهوده میدانم » . او از همان روزی که اسلحه نبرد چریکی را بدست گرفت با خودش و رفقایش عهد بسته بود که تا آخرین قطره خونش را در راه مبارزات خلق و طبقه کارگر ایران فدا نکند از پای ننشیند ، او با ایمان و قاطعیت باین گفته و پیمان خویش وفا کرد و در هنگام مواجهه با دشمن شجاعانه جنگید و بشهادت رسید و پیمانش را با خون خود تضمین کرد .

رفیق نوروزی از رفقای ارزنده سازمان ما بود . خصلتهای اصیل کارگری رفیق همواره تاثیر زیادی در سایر رفقایش بجا میگذاشت . دلبستگی او بوظایفش ، صمیمیت بیش از حدش ، عشق عمیقش بخلق ، فروتنی انقلابیش و قاطعیت و شهامتش همواره سرمشق و الهام بخش رفقائی است که با او کار میکردند . رفیق‌نوروزی در تابستان سال ۵۰ بخاطر قدرت‌جمع بندی و شناخت عمل بسیارش از خلق‌وبخصوص طبقه کارگر ایران‌و نیز بخاطر تجارب مبارزاتی بسیارش ، در مرکزیت سازمان ما قرار گرفت و ثابت نمود که کارگران ایران بخوبی قادر هستند در رهبری مبارزات خلق شرکت جسته و موثر ترین نقشها را در سازماندهی مبارزه بر عهده گیرند .

شهادت رفیق نوروزی برای جنبش مسلحانه ایران ضایعه‌ای محسوب میشود ولی شهادت این قهرمان مبارزات چریکی در تمامی چریکهای انقلابی ایران تعهد و مسئولیتی ایجاد کرده است که آنهارا قادر میسازد فقدان رفیق را با فعالیت هر چه بیشتر جبران نمایند . خلق ایران و در پیشاپیش آن طبقه کارگر ، همانطور که فرزند راستینی چون رفیق نوروزی را در دامان خود پرورده است رزمندگان بسیار دیگری خواهد پرورد و بصف مقدم پیکار بر علیه سرمایه داری جهانی و رژیم شاه دست نشانده گسیل خواهد داشت .

« پیروز باد مبارزات کارگران ایران »

« نا بود باد رژیم ضد کارگری شاه ، نوکر سرمایه‌داران امریکا وانگلیس » .

« جاودانه باد خاطره رفیق کارگر رزمنده حسن نوروزی »

( چریکهای فدائی خلق )

www.iran-archive.com